

## شخصیت‌شناسی اسکندر در آثار نظامی

(با تأکید بر اسکندرنامه ابراهیم‌میرزا مکتب شیراز)

### چکیده

گرچه اسکندر پیش از اسلام در ایران شخصیتی ناستوده و منفور داشت، اما در دوران اسلامی به دلیل خلط شخصیت او با ذوالقرنین مذکور در قرآن، نزد بسیاری از نویسندگان مسلمان دارای وجهه مثبت و ستودنی است و چهره‌ای پیغمبرگونه دارد؛ اسکندرنامه نظامی نیز بر این اساس شکل گرفته است. اما نظامی علاوه بر اینکه شخصیتی ایده‌آل و قابل‌ستایش از اسکندر ارائه می‌دهد، او را به‌عنوان یک قهرمان تمدن معرفی می‌کند؛ قهرمانی که جنگ‌ها و سفرهای مختلف او چه به‌عنوان پادشاه و چه به‌عنوان پیامبر در راستای حفظ و گسترش تمدن است. در این پژوهش تلاش شده است تا نمود این جنبه از شخصیت اسکندر در شرفنامه و اقبال‌نامه نظامی بررسی گردد و مصادیق متعدد آن - با در نظر گرفتن تفاوت‌هایش با متون دیگر بازشمرده شود. بنابراین جنگ‌های مختلفی که اسکندر انجام داده است، انگیزه‌ها و هدف‌های اصلی او در این جنگ‌ها، علل و پی‌آمدهای آن و نیز تغییر و تحولاتی که در سرزمین‌های مختلف صورت می‌دهد، از مواردی است که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل شخصیت اسکندر در آثار نظامی.
۲. بررسی شخصیت اسکندر در اسکندرنامه ابراهیم‌میرزا مکتب شیراز.

### سوالات پژوهش:

۱. شخصیت اسکندر در آثار نظامی چگونه است؟
  ۲. شخصیت اسکندر در اسکندرنامه ابراهیم‌میرزا مکتب شیراز چگونه است؟
- کلیدواژه‌ها:** نظامی، شرفنامه، اقبال‌نامه، اسکندر، تمدن.

## مقدمه

چهره اسکندر و چندوچون شخصیت او بحثی است درازدامن.. تاکنون نیز بیش و کم پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است و باتوجه به خلط چهره اسکندر تاریخی با اسکندری که در برخی متون دوره اسلامی با آن روبه‌رو می‌شویم، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به‌خصوص که نظامی‌پژوهان و نیز کسانی که در پی شناسایی چهره واقعی اسکندر برآمده‌اند به تفاوت‌های اساسی و دگرگونی چهره تاریخی — افسانه‌ای‌اش واقف بوده‌اند. بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه شخصیت اسکندر در فرهنگ و متون ایرانی، به دو جنبه نیک و بد چهره او در دوره اسلامی و پیش از آن می‌پردازند؛ برخی از پژوهش‌ها نیز به تفاوت‌های اسکندر در شاهنامه و در آثار نظامی مربوط می‌شوند. از جمله پژوهش‌های انجام گرفته که ذکر آن‌ها در اینجا سودمند می‌نماید، باید اشاره کرد به پژوهشی از بورگل (۱۳۷۳) تحت عنوان «تصویر اسکندر در حماسه نظامی» است که در آن تقریباً سیر کلی اسکندرنامه را باتوجه به فضای ذهنی نظامی بیان کرد است. مقاله دیگری از کرمی (۱۳۸۳) با عنوان «اسکندر - ایران - نظامی» نیز هست که در آن اسکندر تاریخی با اسکندر متحول شده در متون دوره‌های بعد مقایسه شده است و نویسنده برخی منابع احتمالی را که ممکن است در این امر دخیل بوده باشند، ذکر کرده است. زرین کوب (۱۳۷۲) در کتاب «پیر گنج به جستجوی ناکجاآباد»، با اشاره به انگیزه نظامی برای ساختن یک مدینه فاضله به وجهه پیامبری اسکندر نیز می‌پردازد و با تحلیل فضای شرفنامه و اقبال‌نامه، اسکندر را به‌عنوان قهرمان این قصه نظامی می‌داند. بهار در حواشی «مجمعل‌التواریخ»، چهره مثبت و قابل‌ستایش اسکندر در فرهنگ و افسانه‌های ایران پس از اسلام را ناشی از تصور و برداشت اعراب از شخصیت او می‌داند، چراکه ایرانیان پیش از اسلام در کتب مذهبی خود اسکندر را، الکساندر گجستک یا ملعون می‌خواندند، لیکن عرب‌ها به تصور اینکه اسکندر مسیحی بوده و رومی و مسلمین نیز هوادار روم و نصارا بوده‌اند، او را ستوده‌اند که این قضیه بعداً در فرهنگ ایرانی نیز نفوذ کرده است (ر. ک. بهار، ۱۳۱۸: ۵۶).

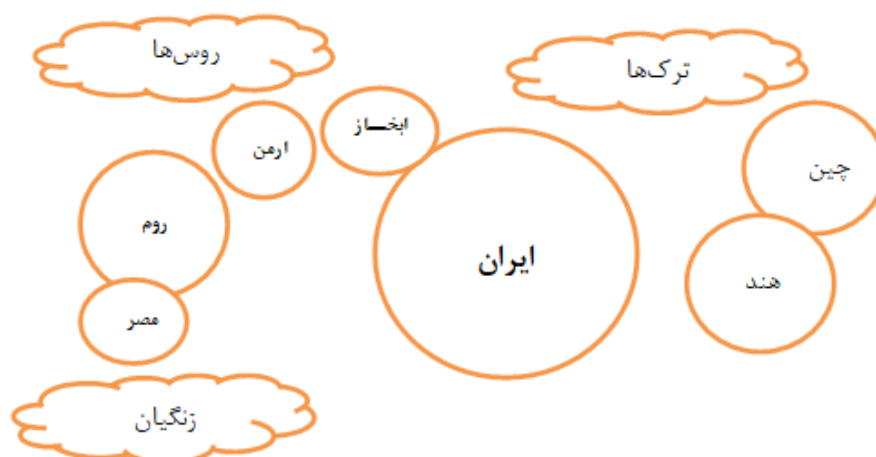
کتاب «چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی»، نوشته غلامحسین بیگدلی (۱۳۸۶) تفاوت میان چهره اسکندر در شاهنامه و اسکندرنامه نظامی را به‌تفصیل بررسی کرده است. اسکندر در چشم نظامی، یک قهرمان تمدن یا بهتر بگوییم تمدن گستر است؛ درواقع، او در پی برقراری توازن بین تمدن‌های مختلف است. اسکندر خواهان ایجاد تمدنی برتر است و هرجایی که با عناصر آن روبه‌رو می‌شود، سعی می‌کند آن را پاس بدارد. او بر آن است که از کل جهان متمدن در برابر توحش دفاع کند؛ بنابراین به هنگام گذر از سرزمین‌های مختلف هر جا با عملی یا پدیده‌ای روبه‌رو شود که از نظر او ممکن است برای کل جهان فرهنگی خطرساز باشد برخورد می‌کند.

سه نبرد مهمی که انجام می‌دهد، عبارت‌اند از: نبرد با سیاهان زنگ، نبرد با دارا و دیگری نبرد با روس‌ها. البته از سرزمین‌های دیگری نیز عبور می‌کند و نبردهایی انجام می‌دهد که چندان پررنگ نیست؛ درواقع، او در این سرزمین‌ها و تمدن‌های حاشیه‌ای، چند کار انجام می‌دهد، یکی اینکه برخی از آن‌ها را از نابودی نجات می‌دهد و در مقابل خطرات احتمالی و توحش شمالی و جنوبی از آن‌ها محافظت می‌کند و دیگر اینکه سعی می‌کند برخی نقاط ضعفشان را تقویت کند و یا اینکه تلاش می‌کند تا عادات نه درخور آن‌ها را از بین ببرد و اصول شایسته‌تری را جایگزین کند. آنچه نظامی می‌خواهد بگوید این است که اسکندر به‌عنوان یک شخصیت ویژه و با سیمایی پیمبرگونه، در پی جنگ و خونریزی نیست بلکه هدفش ایجاد هر نوع شیوه‌ای است که بوی اخلاق و انسانیت می‌دهد، نظامی بارها و بارها و در ابیات مختلف بر روی این قضیه تأکید می‌کند.

اسکندر نخست با زنگی‌ها نبرد می‌کند که نماد توحش جنوبی هستند؛ سپس با دارا می‌جنگد؛ نبرد او با دارا و به‌طور کلی برخورد او با ایرانیان در بسیاری موارد متفاوت با سایر مناطق است. نبرد بعدی و در واقع نبرد پایانی‌اش با روس‌هاست که نماد توحش شمالی‌اند و آداب خاص خود را دارند. این نوع داستان‌پردازی و طرح چنین نقشه‌ای از سفرهای اسکندر، ویژه اسکندرنامه نظامی است و در دیگر اسکندرنامه‌ها و یا در متونی که در خلالشان به جهانگردی و جنگ‌های اسکندر نیز پرداخته شده است، دیده نمی‌شود. حتی اگر مراتب سیر جهانگردی اسکندر در روایت شرفنامه و اقبال‌نامه با متونی همچون شاهنامه و یا اسکندرنامه منثور کالیستین (۱۳۴۳) تا حدودی نزدیک باشد، نقاط برجسته و نوع برخورد اسکندر هنگام ورود به مناطق مختلف متفاوت است و نیز تصویر نظامی از سرزمین‌ها و تمدن‌های مختلف (به‌ویژه آن‌هایی که از نظر او پراهمیت بوده‌اند) با سایر روایت‌ها به‌دلیل نگاه خاص نظامی و اهدافی که دنبال می‌کند، فرق دارد.

### نتیجه‌گیری

اسکندر تقریباً در تمامی اسکندرنامه‌ها علاوه بر چهره پیمبرگونه‌ای که پیدا کرده است، به‌عنوان یک قهرمان شناخته می‌شود. اما تفاوت تصویر نظامی از این قهرمان این است که او را به‌عنوان قهرمانی تمدن‌گستر معرفی می‌کند. برانداختن رسم توحش و جایگزین کردن اصول متمدنانه در سراسر جهان اصلی‌ترین انگیزه این قهرمان آرمانی محسوب می‌شود. در اسکندرنامه نظامی دو نماینده بزرگ خشونت در شمال و جنوب، یعنی روس‌ها و زنگیان، بزرگ‌ترین تهدید برای کل جهان متمدن محسوب می‌شوند. در این میان، تثبیت اوضاع برای رسیدن به جهانی آرمانی و متمدن از طریق تسلط بر اوضاع ایران امکان‌پذیر است، چراکه این سرزمین در دل اقلیم‌های هفتگانه قرار گرفته است و به لحاظ فرهنگی نقطه مرکزی و سرآمد اقلیم‌های دیگر است. بنابراین باید گفت، برای نظامی خط فارقی میان فرهنگ‌های متمدن و فرهنگ‌های نامتمدن وجود دارد. که کمابیش با تصویر عمومی سلسله‌مراتبی مسلمانان هماهنگ است. اسکندر روابط این فرهنگ‌ها را نظم می‌دهد و از کلیت تمدن در برابر توحش دفاع می‌کند. تصویر خاص نظامی را می‌توان بدین‌گونه نشان داد:



ویژگی خاص اسکندر نظامی این است که در میان این تمدن‌ها با توجه به سلسله‌مراتبشان می‌گردد. در حقیقت، نظامی طرح اسکندر قهرمان را با طرحی که مسلمانان در سده‌های میانه از سلسله‌مراتب فرهنگ‌های جهان داشته‌اند، در هم ادغام کرده است.

## منابع و مأخذ:

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون. ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی.
- ابن عبری، غریغوریوس بن هارون. (۱۳۷۷). مختصر تاریخ دول. ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی فرهنگی.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران: طهوری.
- بریان، پی‌یر. (۱۳۸۱). امپراتوری هخامنشی. مترجم: ناهید فروغان، چاپ اول، تهران: فرزانه.
- بیگدلی، غلامحسین. (۱۳۸۶). چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی. چاپ اول، تهران: آفرینش.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۶). التفهیم لاولئ الصناعتة التنجیم. تصحیح: جلال‌الدین همایی، چاپ پنجم، تهران: هما.
- بورگل، آذر. (۱۳۷۵). «تصویر اسکندر کبیر در حماسه نظامی». ترجمه اسماعیل سعادت، معارف، دوره ۱۳، ۶۱-۴۳.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۸۴). منشآت خاقانی. به تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۸۸). دیوان. با تصحیح، مقدمه و تعلیقات سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ نهم، تهران: زوآر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد. چاپ اول، تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه. (۱۹۶۷). باهتمام م. ن. عثمانوف. مسکو، اداره انتشارات دانش.
- کالیستنس. (۱۳۴۳). اسکندرنامه (روایت فارسی کالیستنس دروغین)، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریمی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «اسکندر - ایران - نظامی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۶، ۱۷۲-۱۳۱.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۶۹). تجارب‌الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- مولانا، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). مثنوی. به اهتمام رینولد نیکلسون، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر.
- مجم‌التواریخ والقصص. (بی تا). به تصحیح ملک‌الشعرا بهار. چاپ دوم، تهران: کلاله خاور.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۹). هفت پیکر. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ نهم، تهران: قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸). اقبال‌نامه. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸). شرفنامه. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۰). خسرو و شیرین. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ دوازدهم، تهران: نشر قطره.